

نگاه سبز

مدارس طبیعت و درس کلان‌نگری



محمّد درویش

● روز شنبه، پنجم آبان ۹۷، در آیین افتتاح رسمی هشتادویکمین مدرسه طبیعت ایران موسوم به گجیک در بوشهر شرکت کردم. جالب اینکه در مسیر حرکت به سمت مدرسه طبیعت، شاهد شادی و شغف دانش‌آموزانی بودم که به دلیل بارندگی شدید رخ‌داده، خبر تعطیلی مدارس آنها را ذوق‌زده کرده بود! درحالی‌که پچه‌های مدارس طبیعت، برعکس زمانی ناراحت می‌شوند که مدرسه به هر دلیل تعطیل شود.

گفتنی آنکه این مدرسه، نخستین مدرسه طبیعت در استان بوشهر محسوب می‌شود که با همراهی و حمایت بخش خصوصی و مدیریت نیروگاه اتمی بوشهر، آغاز به کار کرد. افزون بر آن، چند روزی است که مدرسه طبیعت دیگری به نام «مشعل جنگل» کار آزمایشی خود را با همت یک پزشک متخصص کودکان در بوشهر آغاز کرده و به‌زودی چند مدرسه طبیعت دیگر در شهرستان‌های دیگر استان از جمله جم، آب‌پخش و بندر گناوه افتتاح خواهند شد.

اما رمز موفقیت و حمایت مردمی از مدارس طبیعت در چیست؟ چگونه است که برخی پروژه‌های دولتی با وجود میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری و حمایت‌های دولتی تمام و کمال، هنوز به ۱۰ درصد اهداف خود نرسیده‌اند، اما مدرسه طبیعت که تقریباً تماماً روی دوش مردم و بخش خصوصی اداره می‌شوند، توانسته چنین پیش‌برنده در ۲۹ استان کشور پرچم خود را به اهتزاز درآورد؟



به نظرم بررسی دقیق و موشکافانه اقبال مردم به مدارس طبیعت و موفقیت شکفت‌انگیز این مکتب تربیتی، می‌تواند درس بزرگی برای کلان‌نگران توسعه باشد تا آنها هم دریابند که اگر با مردم و برای مردم تصمیم بگیرند، می‌توانند موفقیتی پایدار درو کنند.

خوشحالم که وزیر آموزش‌وپرورش هم شجاعانه به نقد آموزش ابتدایی پرداخته و ضمن پایان‌دادن به مافیای کتاب‌های کمک‌آموزشی در مقطع ابتدایی، خواهان حضور بیشتر دانش‌آموزان در طبیعت شده است.

به امید روزی که هیچ دانش‌آموزی پادش نیاید که روزی شعار شادی‌بخش دانش‌آموزان این دیار: «فتیله، فردا تعطیله» بود!

شادی‌های کوچک

آمادگی برای دنیای جدید

● گاردین مطلبی درباره پژوهشی منتشر کرده است که می‌تواند برای هر خانواده‌ای که با دعواهای کودکان خود دچار مشکل شده است، سبب خوشحالی و خوشنودی شود؛ دعواهای کودکی که باعث سروصدای فراوان و بیج و گریه و اعصاب‌خردی شود، در بزرگی می‌تواند خنده و پشیمانی را به‌دنبال داشته و بسیار بی‌اهمیت و بی‌معنی باشد.
باین‌حال، تحقیقات جدیدی از مرکز تحقیقات خانواده دانشگاه کمبریج نشان می‌دهد که یک رقابت سالم می‌تواند به رشد روحی و احساسی کودکان شما و افزایش مهارت‌های اجتماعی کمک کند.
این مطالعه که «کودکان نوپا» نام دارد، بخشی از یک پروژه تحقیقاتی پنج ساله است که توسعه شناختی و اجتماعی کودکان بین دو تا شش سال را تحلیل می‌کند.
۱۴۰ کودک در این پروژه شرکت کردند و نتایج نشان داد که داشتن یک خواهر و برادر می‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد زودرس فرد داشته باشد، حتی اگر رابطه آنها منفی باشد.
این مطالعه شامل مشاهدات ویدئویی بود که در آنها با خانواده، دوستان و غریبه‌ها مصاحبه شده و پرسش‌نامه‌هایی را بر کرده‌اند، همچنین آزمون‌هایی که نحوه استفاده از زبان مهارت‌های برنامه‌ریزی، حافظه و کنترل فرد را بررسی کرده‌اند.
گفته می‌شود که فقط رقابتی خفیف به‌عنوان فاجعه‌ای مداوم بین دو خواهر و برادر در طول چند سال منجر به ایجاد مشکل در ایجاد رابطه و مسائل رفتاری در زندگی بعد از آن می‌شود.
دکتر کِلر هیوز می‌گوید: دیدگاه سنتی این است که داشتن یک برادر یا خواهر منجر به رقابت زیادی برای توجه والدین و جلب عشق آنان می‌شود. در حقیقت، درک متقابل کودکان ممکن است از طریق تعامل آنها با خواهر و برادرها تسریع شود.
یکی از دلایل اصلی‌اش این است که خواهر و برادر متحدانی طبیعی‌اند؛ آنها اغلب در همان طول موج هستند و احتمالاً به‌نوعی از بازی تظاهر می‌کنند.
علاوه بر این، در این مطالعه زمانی که دو کودک در اتاق بودند و با یکدیگر همدردی می‌کردند، تبادل آنها نشان می‌داد که آنها نوعی زبان احساسی را بین هم برقرار کرده‌اند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۹۷ • ۱۹ صفر ۱۴۴۰ • ۲۹ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۸۰ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۱ • اذان صبح فردا ۴:۵۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

روزنفرها

کارتون خواب

مهدی معتمدیان (دیان)

motazedian.mehdi@yahoo.com



زنان

از عشق و جنگ



هنوز خبر کنارکشیدن اسکارلت جوهانسون از فیلمی با سرمایه‌گذاری بن‌سلمان بعد از پنج، بن‌سلمان بعد از پنج، روز مورد توجه است و تیتراژی نظیر تحقیر بن‌سلمان، جوهانسون علیه شاهزاده ... برای این ماجرا استفاده شده است. اسکارلت جوهانسون بازیگر فیلمی بود که ردلی اسکات می‌خواست درباره عکاس برنده پولیتزر بسازد، اما هنگامی که فهمید بن‌سلمان یکی از تهیه‌کنندگان آن است از پروژه کنار کشید. Lynsey Addario که قرار است بیوگرافی او ساخته شود، در گفت‌وگویی با نیکلاس کریستف در نیویورک‌تایمز این موضوع را اعلام کرد و گفت که جوهانسون به دلایلی نظیر حضور عربستان در یمن و کشته‌شدن کودکان در این جنگ و زندانی‌کردن زنان در عربستان اشاره کرده است. تازه این ماجراها برای قبل از کشته‌شدن خاشقجی در کنسولگری عربستان در ترکیه بود.
اداریو گفت: «من شخصاً با بن‌سلمان ملاقات نکردم، اما حسم این است که هدف او از سرمایه‌گذاری در این فیلم توجه به کمپین عظیمی است که به راه انداخته. برای اینکه به هالیوود و تمام دنیای غرب ورود پیدا کند و خودش را نشان دهد. Addario از اتفاقات و کشمکش‌های دنیا گزارش تهیه می‌کند، به‌خصوص درباره تأثیراتشان بر زنان. در طول دوران حرفه‌ای او حداقل ۱۲ ماه بازداشت بوده و در لیبی مورد تجاوز قرار گرفته است. در ابتدا قرار بود این فیلم با کارگردانی اسپیلبرگ و بازیگری جینفر لارنس ساخته شود.

اما برخلاف استقبال نسبی از بن‌سلمان در



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی



شرایط اقتصادی موجود، نرخ قانونی ویزیت پزشکان را در ماه‌های اخیر حتی در مراکز خصوصی به چیزی حدود ۲/۵ دلار پایین آورده است. کاملاً درست است ما در اروپا و آمریکا زندگی نمی‌کنیم و پزشکان هم به یورو خرج نمی‌کنند، اما اولاً سایر اقسام مثل ویزیت پزشکان با این شدت و حدت و به این یک‌ناوختی کنترل نمی‌شود و شاهدیم که به‌هرحال همه‌چیز از شرایط موجود تأثیر می‌پذیرد. ثانیاً تا پیش از این شرایط هم تعرفه‌های ویزیت یعنی مبلغ لازم برای یک معاینه و تشخیص پزشکی بسیار غیرواقعی و غیرمنطقی بودند و به نظر بسیاری از متخصصان اقتصاد سلامت این تعرفه‌های پایین به همراه نبود نظارت بر کیفیت درمان منشأ و علت پیشینی بسیاری از مشکلات سلامت در کشور بود که متأسفانه در طرح تحول سلامت هم مورد اعتنا قرار نگرفت. موضوع معیشت گروه عظیمی از پزشکانی که جز همین ویزیت - همین تبحر فراگرفته در طول سالیان را که فقط در چند خط نوشته شده، با خودکار بیک و یک ورق کاغذ نازل نمود پیدا می‌کند- چیزی برای عرضه ندارند، جوان هستند و کمتر شناخته‌شده و حتی امکان خرج‌کردن آینده و توان خود با ویزیت بیماران بسیار زیاد را هم ندارند، مسئله بسیار مهمی

قادر باستانی



یک ماه شد که خبر قتل جمال قاشقجی از صدر اخبار پایین نمی‌آید؛ خبری تکان‌دهنده که بالاترین مقامات سیاسی در جهان را به چالش طلبید و همه رسانه‌ها را به‌خط کرد. رسانه‌های سنتی در زورآزمایی با رسانه‌های جدید، قدرت فوق‌العاده خود را به رخ کشیدند و به آنها که فاتحه رسانه‌های کاغذی را خوانده بودند، یادآور شدند دود هنوز از کُنده بلند می‌شود.

واشنگتن پست و نیویورک‌تایمز سنگ‌تمام گذاشتند. این اولی، همان روزنامه‌ای است که رئیس‌جمهور نیکسون را در ماجرای واترگیت، از تخت پایین کشید و اکنون با پوشش خبری و جریان‌سازی فوق‌حرفه‌ای قتل روزنامه‌نگار سعودی، به ترامپ دیوانه یادآور شد که پاییچ رسانه‌ها نشود که بازی با دم شیر برایش خطرناک است. اردوغان هم از فضای ایجادشده، بهترین و بیشترین بهره‌برداری را برای منافع ملی ترکیه رقم زد. اطلاع‌رسانی قطره‌چکانی و هماهنگ رسانه‌های ترکیه و سناریوی کام به کام اردوغان، چون در راستای برنامه رسانه‌های آمریکایی بود، جواب داد. علت آن بود که تلویزیون سنی‌ان‌ان، نیویورک‌تایمز و واشنگتن پست، در یک سال گذشته، انواع زخم‌زبان‌های ترامپ را تحمل کرده بودند و فضا را برای گوشمالی‌دادن مساعد می‌دیدند. برای همین با همه توان وارد عرصه شدند و کار تمیز رسانه‌ای را تاکنون پیش برده‌اند. آنها در این کار هماهنگ، هم متحد استراتژیک ترامپ -بن‌سلمان- را بدنام کردند و هم تمرکز برنامه ایران‌ستیزی تیم جنگ‌طلب او را به هم زدند و به محاق فرستادند.

تجربه دیگران

چرا باید رأی داد

آسوشیتدپرس: میشل اوپاما هنگامی که در جمع پنج هزار نفری دانشجویان میامی حضور داشت سعی کرد دلایلی برای شرکت در انتخابات را بیان کند. او که به‌تازگی کمپینی را در ۴۹ ایالت برای تشویق به رأی‌دادن راه‌اندازی کرده، معتقد است که به رأی‌دادن می‌توان قدرت را به مردم بازگرداند. او با اشاره به انتخابات سال ۲۰۰۸ که فقط ۴۰ میلیون نفر در رأی‌گیری شرکت کردند و همچنین نیمه اول ۲۰۱۴ که تنها ۳۷ درصد از مردم به پای صندوق‌ها رفته‌اند، سخنانش را بیان کرد. انتخاب میان‌دوره‌ای سال ۲۰۱۴ کمترین میزان مشارکت بعد از جنگ جهانی اول بود. میشل اوپاما- بانوی اول سابق- با اشاره به شکاف پیش‌آمده و سرخوردگی‌های متعدد حتی در زمینه مسائلی نظیر مشکلات آب و هوا که تحت‌تأثیر سیاست قرار گرفته‌اند، پیشنهاد داد از قدرت رأی‌دادن استفاده شود.

او گفت: «هنگامی که بخش بزرگی از جمعیت از فرایند رأی‌گیری خارج می‌شود، در آن هنگام نباید تعجب کنیم که سیاست‌های ما ارزش‌های موردنظر ما را منعکس نمی‌کند». او ادامه داد که مشتاق تغییر تفکری است که اکنون شکل گرفته و سبب ناامیدی بسیاری از پروسه رأی‌دادن شده است: «آنها ناامید شده‌اند تا درباره سیاست کاری کنند، اما در نظر نمی‌گیرند که نشستن در خانه، کاری نیست که باید انجام دهند». او خطاب به افرادی که معتقد بودند رأی آنها اهمیتی ندارد، یادآوری کرد که گاهی هشت یا پنج نفر برای یک شهر تصمیم گرفته‌اند و مثال‌هایی آورد: «رای یک کمیسیون شهری در ۲۰۱۶ در کاکائوبوج تنها از سوی هشت رأی تعیین شد و در جنوب دایتون، یک شهردار فقط با پنج رأی انتخاب شد. بله! فقط پنج رأی... هر رأیی مهم است، واقعا مهم».

آکادمی

تهدید اقتصاد سلامت

عملی تشخیصی یا درمانی نیاز ندارند. جراحی‌ها هم هرچه بیشتر و بیشتر به زیبایی و جاقی اختصاص می‌یابند، گفت‌وگوها و معاینات هم هرچه بیشتر و بیشتر به اسکوبی‌ها و گرافیک تبدیل می‌شوند. گویا مسئولان متوجه نیستند که بیشتری رشته‌های مورد اقبال پزشکان برای ادامه تحصیل رشته‌هایی با کمترین ارتباط بالینی با بیمار شده است. بزرگ‌ترین نگرانی جامعه پزشکی و بزرگان آن این است که گویا مردم، نخبگان و رسانه‌ها هم هم‌صدا با مسئولان، اقتصاد را در سلامت منکر می‌شوند و به آن فقط و فقط از زاویه درآمد و معیشت پزشکان می‌نگرند، همه پزشکان از پیر و جوان، عمومی و متخصص، آنکه فقط ویزیت می‌کند و آنکه اعمالی هم انجام می‌دهد را یکسان می‌بینند. حتی اقتصاددانان هم به نقش کلیدی تعرفه تنها در این مورد خاص اشاره نمی‌کنند. از هنرمندان هم که‌که گاه در برهه‌هایی در برابر مصداق‌های کوچکی از بحران موجود اسبیر احساسات می‌شوند، هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. بحران اقتصاد سلامت در کشور ما در واقع تهدیدی جدی در نزول هرچه بیشتر کار درمان به معنای تشخیص و معالجه و توضیح و پیشگیری از بیماری‌هاست. صدای جامعه پزشکی در این بحران به‌تهایی بسیار نارساست، به‌ویژه که جامعه پزشکی در شرایط بحران موجود و مشکلات عدیده‌ای که اکنون مردم ما به آن مبتلا هستند، به هیچ‌وجه حاضر نیست به نحو دیگری! صدای بحران موجود را به گوش همگان برساند.

یادداشت

پوشش خبری مقتول سعودی و قدرت رسانه

رسانه‌ها فقط سوبسیددادن و کانال درست‌کردن و اینها نیست. رسانه‌های مستقل و حرفه‌ای ما، هر روز به عنوان مختلف تضعیف می‌شوند. یک پایشان دادگاه و یک پایشان در بازار آشفته کاغذ و مرکب است و همیشه در اضطراب و تشویش شکایت و توقیف و فیلتر روزگار می‌گذرانند. رسانه‌های بر تعداد ترکیه، چقدر در این ماجرای قتل جمال قاشقجی، حرف‌های ظاهر شدند و هماهنگ عمل کردند. اگر خدای ناکرده، چنین ماجرای برای کشور ما رخ دهد، آیا امکان مدیریت افکار عمومی را خواهیم داشت؟ آیا می‌دانیم میزان اعتماد مردم به رسانه ملی و نشریات دولتی و شبه‌دولتی چقدر است؟ آیا متوجه اثر ویرانگر رسانه‌های غیررسمی و شایعات مخرب هستیم؟

در همین ماجرا، خبری به‌نقل از سفیر ترکیه در لبنان پخش شد که دولت عربستان پیشنهاد پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری -به عنوان رشوه- به ترکیه داده است تا قتل جمال را لاپوشانی کند. این خبر در همه کانال‌های خبری موبایلی، پژواک یافت و حتی کسانی تفسیر نوشتند و توییت کردند، درحالی‌که خبر هیچ منبعی نداشت و کاملاً دروغ بود. بنابراین در غیاب رسانه‌های حرفه‌ای و در مواقع بحرانی، به‌خاطر بی‌اعتمادی مخاطبان به رسانه‌های رسمی، این اخبار دروغ و شایعات به‌سرعت پخش می‌شود و اثر ویرانگر خود را می‌گذارد.

مسئولان تا دیر نشده نگاهشان به مقوله رسانه‌های مستقل و حرفه‌ای را تغییر دهند. زبان تلخ و گزنده این رسانه‌ها را مغتنم بشمارند و آنها را عزیز بدارند. خبرگزاری رسانه ملی را از وضعیت ناگوار و نابسامان فعلی نجات دهند و آن را به مدار حرفه‌ای برگردانند. اگر چنین نشود، در حوادث، پیشامدی ناگوار خواهد توانست همه‌چیز را مثل سیل با خود ببرد. چنین نباد.

دور دنیا

پسر ما پادشاه به‌دردبخوری نیست

خبری که در تعطیلات آخر هفته به‌عنوان «شوکر روز» در نشریات بریتانیا مطرح شده و انتظار تکذیب آن می‌رود، این است که ملکه انگلیس و همسرش فیلیپ در شایستگی پسرشان، برای جانشینی شاهزاده چارلز و برعهده‌گرفتن پادشاهی بریتانیا تردید داشته‌اند و لابد هنوز هم دارند.



ملکه و پرنس فیلیپ شک داشتند که آیا چارلز مناسب تاج‌وتخت بوده است یا نه. بر اساس این گزارش و به‌نقل از منابعی در داخل دربار که نام آنها فاش نشده است، ملکه و همسرش یک‌بار برای چارلز را لقب «توپ جنگی هرز» (Loose Can-non) استفاده کرده‌اند که یعنی فردی غیرقابل پیش‌بینی که زود از کوره درمی‌رود. تنش بین چارلز و پدر و مادرش با انتشار زندگی‌نامه جنجالی چارلز به قلم جان‌اتان دیملبی در سال ۱۹۹۴ به مناسبت بیست‌ونجمین سالگرد نام‌گذاری او به‌عنوان شاهزاده ولز بالا گرفت. در آن کتاب ادعا شده بود که چارلز و والدینش رابطه راحتی ندارند و الزابیت دوم و فیلیپ از این فرزند خود ناراضی بوده‌اند.
باین‌حال تصور می‌شود روابط بین چارلز، ملکه و فیلیپ در طول سال‌ها بهبود یافته باشد که این سه نفر همیشه در کنار هم در معرض دوربین رسانه‌ها قرار می‌گیرند، اما یک منبع خبری دیگر نزدیک به خاندان سلطنتی انگلیس اذعان کرده که چارلز و فیلیپ هنوز حاضر نمی‌شوند تماس چشمی برقرار کنند.